بهنام ملکی، اقتصاددان در گفت‌وگو با «نسل‌فردا» مطرح کرد:

اما و اگرها برای خروج از مدار توسعه‌نیافتگی

لیلا کاظمی | گروه سیاست
leilakazemi288@gmail.com

برای بهبود وضعیت اقتصادی کشـــور باید بازارهای جدید تصاحب شود و تعاملات خارجی روند افزایشی داشته باشد تا وارد سایر بازارها شویم؛ البته باید به‌صورت هدفمند این برنامه دنبال شود و این‌گونه نباشد که تنها روی محصولات سنتی سرمایه‌گذاری شود؛ بلکه باید به تولید محصولات صنعتی و نوین توجه کرد؛ به‌عنوان‌مثال، اگر تاکنون کشور ما موفق نشد بازارهای صادرات صنعتی روســـیه، قطر و کشورهای همسایه را به‌دست آورد لازم است بررسی شود ریشه مشکل کجاست؟

قاعدتاً باید در صنایع هایتک با فناوری بالا نرخ مالیات کاهش یابد تا قدرت رقابت کالای تولیدشده داخلی بالا رود و تلاش شود به شکل هدفمند و برنامه‌ریزی شده وارد دبلیوتی آن شویم. اگر این اقدامات انجام نشود قطعاً خروج از رکود مشکل خواهد بود. از سوی دیگر بن‌هایی چاپ شود که مردم مصرف محصولات داخلی خود را افزایش دهند؛ همچنین اگر در مواردی امتیازهای خاص و رانت وجود دارد، جلوی آن گرفته و اقتصاد به مزایده گذاشته و در آن شفافیت حاکم شـــود. به هر حال مدیریت‌های کارامدتری، اعمال و بخش خصوصی مولد تقویت شود و بخش خصوصی غیرمولد که پنهان است در تورهای مالیاتی قرار گیرد. بخش دولتی نیز کوچک و هوشمند و تعداد کارکنان آن کاهش داده شود و در عین حال حقوق آنان افزایش پیدا کند. به ســـود بانکی نیز نیم‌درصدی مالیات تعلق گیرد تا همه ملزم به فعالیت شوند و صنایعی که آلاینده هستند از جمله مرغداری‌ها، بخش کشاورزی و غیره مشمول مالیات قرار گیرند؛ بنابراین در اقتصاد کشور باید مجموعه‌ای از عوامل با یکدیگر در نظر گرفته شود تا جنبه‌های مثبت آن رشد و رونق پیدا کند و جنبه‌های منفی آن محدود شود. اگر این اقدامات انجام شود می‌توان مسیرهای خروج از رکود را دنبال کرد. وام بهینه‌یاب هم که به صنایع کوچک و متوسط پرداخت می‌شود به صنایع بزرگ به‌ویژه هایتک تعمیم پیدا کند؛ یعنی این صنایع برای نوسازی بتوانند از وام بهینه‌یاب استفاده کنند. اگر به این عوامل توجه شود و از دانش‌بنیان‌ها حمایت موثرتری به‌عمل آید، شاهد رشد و توسعه اقتصادی خواهیم بود.

دســـتگاه‌های نظارتی نباید در مقابل امتیازهای خاص کلاه‌برداری و مفاســـد ســـکوت کنند تا اموال افراد به سرقت برود، بعد مدعی شـــوند مشکلاتی در این رابطه وجود دارد. دســـتگاه‌های نظارتی باید هر کجا احساس می‌کنند مشکلی وجود دارد، وارد شوند و از وقوع مجدد آن جلوگیری کنند. یکی از اشکالات سیستماتیک این است که شفافیت کامل و نظارت کارامد و کم‌هزینه وجود ندارد و نهادها و مؤسسات بعضاً غیرقانونی که به‌ظاهر خود را قانونی و موجه جلوه می‌دهند پول‌های مردم را به بهانه پرداخت ســـودهای بالا، دریافت و پس از طعمه‌گذاری به‌یک‌باره فرار می‌کنند؛ بنابرایـــن باید جلوی هر عمل مجرمانه و احتمال وقوع آن با علایم مشخص گرفته شود؛ در عین حال بانک‌های خصوصی باتوجه به اینکه حدود یک‌سوم و بیشتر، ســـپرده‌های مردم را جذب می‌کنند باید برای این مؤسسات به همان نسبت الزام‌هایی ایجاد شود تا مشارکت بیشتری در تولید و توسعه داشته باشند؛ همچنین باید هزینه‌های تولید کاهش داده و موانع آن حذف شود و محدودیت‌هایی در برابر عواملی که منجر به تضعیف تولید می‌شود، ایجاد کرد که اقتصاد به حالت تعادل برسد. بانک‌ها و نظام مالیاتی می‌توانند در این راستا نقش حائز اهمیتی داشته باشند. جهت‌گیری و استراتژی اقتصاد ما باید روشن و شفاف شود. متأسفانه در بسیاری از موارد برخی افراد تاکتیک را با استراتژی اشتباه می‌گیرند. اســـتراتژی اقتصاد باید حامی تولید مـــدرن، نوآورانه، دانش‌بنیان و مستعد دانش‌بنیان و استراتژیک باشد. همه چیز را نمی‌توان مورد حمایت قرار داد؛ اما یک‌ســـری از حوزه‌ها را می‌توان حمایت کرد و حمایت نیز باید منطقی، شفاف، هدفمند و غیر فسادآور باشد. اگر این اقدامات در تولیدهای دانش‌بنیان، فعالیت‌های مستعد دانش‌بنیان و استراتژی انجام شود در این صورت می‌توان به هدف دست پیدا کرد. حمایت از ســـایر حوزه‌ها باید به دست عرضه و تقاضا سپرده شود؛ یعنی اگر مقدور و به صرفه بود تولید شوند. اکنون در مواردی این شائبه مطرح می‌شود که قرار اســـت تمامی حوزه‌های تولیدی مورد حمایت قرار گیرند که عملاً حمایت از تمامی حوزه‌ها هم مقدور نیست. این حمایت غیرهدفمند موجب افزایش قاچاق کالا می‌شود؛ در حالی که قاچاق تارو پود اقتصاد را به هم می‌ریزد؛ بنابراین فقط در حوزه‌های مشخص می‌توان از ورود کالای قاچاق جلوگیری کرد. برخی حوزه‌ها از کنترل خارج است؛ برای نمونه مشاهده می‌شود کارخانه‌ای که نفت سفید برای مواد اولیه خود خریداری می‌کند جلوی آن را به‌عنوان قاچاق کالا گرفتند. اگر این گونه باشد اقدام اشتباهی انجام شده است؛ زیرا این کارخانه نفت قاچاق خریداری می‌کند تا به تولید کالا بپردازد و کارگران آن بیکار نشوند. اینجا اشکالی وجود دارد و باید ساماندهی انجام شود.

وقتی امتیازهـــای خاصی به کولبـــران مناطق مرزی و مرزنشینان داده می‌شود یا امتیاز ورود کالای موقت به مناطق آزاد و ویژه تعلق می‌گیـــرد، درواقع نوعی رانت نصیب آنان شده اســـت. این رانت خود باعث می‌شود نوعی قاچاق سازمان‌یافته شـــکل گیرد که کنترل آن پرهزینه اســـت. به نظر می‌رســـد اگر برای بسیاری از کالاها تعرفه بـــالای ۳۰ درصد تعیین شـــود در اینجا روزنه‌ای بـــرای ورود کالای قاچاق باز می‌شـــود. بهتر اســـت به‌عنوان‌مثال، تاحدودی تعرفه معقول بســـته شود تا فعالیت مشابه داخلی به شـــکل پایدار و واقعی مورد حمایت قرار گیرد. به‌جای اینکه همه فشـــار روی تعرفه صرف باشد بهتر است فعالیت‌های نوین، دانشی و نرم‌افزاری مفید و استراتژیک به جای پرداخت ۹ درصد مالیات ارزش افـــزوده، ۴.۵ درصد مالیات بپردازند و.... بر این اساس از یک سو فشارهای وارد‌شده به تولیدات داخلی، کاسته و از سوی دیگر برای کالای مشابه خارجی محدودیت‌هایی معقول ایجاد می‌شود. اگر این مکانیسم سیستماتیک دیده نشود اجرای آن سیاست به شکست منتهی خواهد شـــد؛ البته شـــفافیت در فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند نقش محوری برای مقابله با چالش‌ها داشته باشد. جراید و رســـانه‌های جمعی و گروهی اگر هدفمند و کارشناسانه به این مســـائل ورود پیدا کنند و دیدگاه عقلانی و دقیقی داشـــته باشند می‌توانند به ســـاماندهی و اصلاح امور کمک کنند؛ اما اگر احساسی برخورد کنند و نقدهای آنان غیرمنصفانه باشد و دفاعیات دستگاه‌ها نیز جانبدارانه و غیرواقع‌بینانه باشد خود این شرایط فرایند موجود را ســـخت‌تر خواهد کرد؛ اما اگر دیدگاه عالمانه و کارشناسی حاکم شود حتی برای نمونه فیلمی که پخش می‌شود اگر دید کارشناسی پشت آن نباشد می‌تواند اثرات تخریبی زیادی برای جامعه به‌همراه داشته باشد. باید تفکرها و دیدگاه‌های غیرکارشناسی از فضای اقتصادی و تحلیلی کشـــور، حذف و دیدگاه‌های کارشناسی و عالمانه جایگزین آن شود؛ همچنین باید به سمتی سوق داده شود که به‌طور ساختاری سود بانکی کاهش پیدا کند و هزینه‌های تولید پایین آید؛ در عین حال هزینه فعالیت‌های غیرتولیدی و ضد تولید به گونه‌ای شود که مردم کمتر به آن گرایش پیدا کنند. اگر اقتصاد به حالت تعادل برسد قطعاً مشکلات موجود حل خواهد شد. اصلی‌ترین هدف باید ایجاد تعادل و توازن در اقتصاد باشد؛ به‌عنوان‌مثال، برای حل مشکل اجاره‌نشینی در شهرها ممکن است منابعی برای بخش مسکن تزریق شود که این اقدام به همان اندازه در مناطق روستایی آثار تخریبی برجای بگذارد؛ یعنی شاهد افزایش مهاجرت از روستا به شهر باشیم؛ همچنین اگر بخواهند محدوده شهرنشینی را در کلان‌شهرها گسترش دهند، به‌عنوان‌مثال، فضای تهران و محدوده شهری آن چند کیلومتر گسترش پیدا کند یا یک وزارت‌خانه جدید ایجاد یا حذف شود هر کدام از این‌ها می‌تواند در عدم‌تعادل مؤثر باشد و ساختارهای اقتصاد سرزمینی و آمایشی را از حالت تعادل خارج کند و به هم بریزد. برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات باید براســـاس جنبه‌های دقیق کارشناسی باشد و همه چیز بر مبنای هزینه و فایده سنجیده شود. ببینند اجرای کدام سیاست براساس مبانی تئوریک توسعه فایده آن بیشتر از هزینه است یا برعکس اگر سیســـتماتیک و نظام‌مند پیش روند و نظام اقتصادی شـــفاف شود و سرمایه‌گذاری‌ها هدفمند باشد و به ســـمت نوآوری، دانش و نرم‌افزاری و نه سخت‌افزاری سازماندهی شود شاهد برون‌رفت از مشکلات خواهیم بود؛ برای نمونه، ایجاد یک کارخانه آلاینده یا سم‌سازی ممکن است ســـود زیادی داشته باشد، اما ایجاد این کارخانه هزینه‌های زیست محیطی زیادی دارد یا ایجاد یک کارخانه سیمان ممکن است درآمدزایی آن بالا باشد، اما آیا جنبه‌های آلایندگی‌اش محاسبه شده است؟ این موارد نشان می‌دهد اگر یک نگاه کارشناسی و جامع براساس آمایش سرزمینی شکل گیرد می‌توان امیدوار بود که از مدارهای توسعه نیافتگی خارج شـــده‌ایم. اگر ملاحظات کارشناسی و علمی در قانون‌گذاری، اجرا، نظارت، فرهنگ‌ســـازی و آموزش و غیره مورد توجه قرار نگیرد نمی‌توان انتظار داشـــت که کشور به شکل بهینه اداره شود؛ بنابراین مجموعه عوامـــل می‌تواند در اصلاح ســـاختار اقتصادی یا عدم تعادل در مبانی و ســـاختارهای اقتصـــادی تأثیرگذار باشد.

در سال‌روز هجرت امام به فرانسه؛

سفر به پاریس و شنیده شدن پیام انقلاب

امید رجبی
omidnameh1@gmail.com

پس از درگذشت ابراهیم یزدی، وزیر خارجـــه دولت موقت، در ششـــم شهریورماه امسال، در خبرها شنیده شد که جلد سوم از مجموعه خاطرات او با عنوان «شصت سال صبوری و شکوری» اجازه چاپ نگرفته و علت این امر، ادعای ابراهیم یزدی در خصوص پیشنهاد سفر به پاریس به امام از جانب او عنوان شده است. حال که در آستانه چهلمین روز وفات ابراهیم یزدی به‌سر می‌بریم، به بهانه ســـال‌روز هجرت تاریخی امام‌خمینی(ره) به پاریس در سیزدهم مهر ۱۳۵۷، به تأثیر این سفر بر پیشبرد اهداف انقلاب نگاهی می‌اندازیم و علت اصرار ابراهیم یزدی بر ادعای خود را جست‌وجو می‌کنیم.

پس از آنکه دولت عـــراق محدودیت‌هایی را برای فعالیت‌های سیاسی امام خمینی در نجف ایجاد کـــرد، امام تصمیم گرفتند نجف را ترک گوینـــد و از طریق کویت به ســـوریه بروند؛ اما بنابه مشکلاتی این امر محقق نشد و کشورهای دیگری برای سفر پیشنهاد شدند و درنهایت پاریس به عنوان مقصد سفر انتخاب شد. سیداحمد خمینی، فرزند امـــام، با رد تمام ادعاهـــا، تنها خود را پیشـــنهاددهنده برای ســـفر به پاریس معرفـــی و ماجرا را این گونـــه روایت کرده است: «فرانسه را پیشنهاد کردم؛ زیرا توقف کوتاهمان در فرانسه می‌توانست مثمر ثمر باشد و امام می‌توانستند بهتر مطالب‌شان را به دنیا برسانند. امام پذیرفتند.» امام(ره) خود نیـــز در وصیت‌نامه سیاســـی–الهی خویش این موضـــوع را به روشـــنی ابراز کرده‌انـــد: «پس از برگرداندنـــم از کویت، با مشـــورت احمد [خمینـــی] پاریس را انتخاب نمودم؛ زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه‌ندادن بود، آنان تحت نفوذ شاه بودند؛ ولی پاریس این احتمال نبود.» البته همراهی ابراهیم یزدی بـــا امام در خروج از عراق مسلم اســـت و این را امام خود در سخنرانی دهم مهر ۵۸، تائید کرده است.

انتخاب کشور فرانســـه برای اقامت امام، انتخابی هوشمندانه و تأثیرگذار بود؛ چرا که فرانسه در آن زمان مهد آزادی‌خواهی و حقوق بشر به‌شمار می‌رفت و در صورت ایجاد محدودیت، امام و همراهان ایشـــان می‌توانســـتند از دولت فرانســـه نسبت به عمل نکردن به شـــعارهای آزادی و حقوق بشر گلایه کنند؛ کمااینکه امام در چندین نوبت از دولت فرانسه خواستند به حقوق بشر و آزادی مورد ادعای خود پای‌بند باشد. پس از حضور امام در پاریس، دولت فرانسه اعلام کرد اقامت امام خمینی اقامتی موقت و توریستی محسوب می‌شود و ایشان اجازه مصاحبه و فعالیت رســـانه‌ای ندارند؛ اما از آن‌جا که مصاحبه امام بـــا روزنامه لوموند (Le Monde) فرانســـه در دوران اقامـــت ایشـــان در نجف تأثیر زیادی در همراهی مجامع بین‌المللی با انقلابیون داشت (اتفاقاً این مصاحبـــه با کوشـــش ابراهیم یزدی به نهایت تأثیرگذاری خود رســـیده بود. جزئیات آن در جلـــد دوم کتاب خاطرات او وجود دارد)، همراهان امام تلاش کردند محدودیت رسانه‌ای ایشان را برطرف کنند؛ ازاین‌رو صادق قطـــب‌زاده با مدیر روزنامه فیـــگارو (Le FIGARO)، روزنامه نزدیک به دولت فرانســـه ارتباط گرفـــت و عنوان کرد اگر ممنوعیت مصاحبه لغو شود این روزنامه می‌تواند اولین مصاحبه با امام را در پاریس انجام دهد. این مصاحبه با عنوانی غیر از مصاحبه انجام و چاپ شـــد و پس از انتشار آن، دیگر مطبوعات به دولت فرانسه اعتراض کردند که چرا به نشریه مرتبط با خود اجازه مصاحبه می‌دهد و بقیه از این امر محرومند. به‌دنبال همین موضوع کم‌کم راه برای مصاحبه‌های بیشتر باز و محدودیت رسانه‌ای ملغی شد. در ۱۱۸ روز حضور در فرانسه امام (ره) ۶۵ سخنرانی ایراد کردند که بیش از دو برابر ســـخنرانی‌ها از ابتدای ســـال ۱۳۴۱ تا قبل از ورود به فرانسه بود؛ همچنین ۴۱ پیام و اعلامیه به مناسبت‌های گوناگون صادر کردند که پیام برای آغاز سال تحصیلی و آزادی آیت‌اله طالقانی و آیت‌اله منتظری از زندان، پیام تبریک به مسیحیان جهان و پیام به علما و مردم هندوستان در ضرورت هم‌دردی با ملـــت ایران و پیام به مردم ایران برای ادامه اعتصاب‌ها را شامل می‌شـــد. امام در این مدت ۱۱۷ مصاحبه نیز با رســـانه‌ها و مطبوعات جهان انجام دادند و برای انقلاب و حکومت اسلامی که پس از ورود به فرانسه با عنوان «جمهوری اسلامی» از آن یاد می‌کردند، تبلیغ نمودند. حضور در مطبوعات و رســـانه‌ها به‌حدی حائز اهمیت بود که امـــام پس از پیروزی انقلاب این‌گونه عنوان کردند: «ما فرانسه را انتخاب کردیم و آنجا رفتیم و آن‌ها هم پشیمان شدند: هم عراق و هم دولت ایران؛ چراکه در پاریس دســـت ما برای تبلیغات باز بود. ما مطالب و مسائل ایران را به همه جای دنیا رساندیم.» اهمیت رساندن پیام امام به مردم به قدری مهم و کارامد بود که امام‌خمینی در پیامی به تاریخ شـــانزدهم دی‌ماه ۵۷، از اعتصاب‌کنندگان مطبوعات در ایران خواستند به اعتصاب پایان دهند و انتشار خود را از سر گیرند؛ این در حالی بود که امام در چندین مقطع بر ادامه اعتصاب کارکنان شرکت نفت تأکید کرده بودند.

در مدت اقامت در نوفل‌لوشاتو، امام(ره) در همه ســـخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها، خود را از وابستگی به یک گروه، حزب و جبهه مبرا و همواره خود را رهبر همه ملت ایران معرفی می‌کردند. امام در پاریس در همراه کردن رجال سیاسی دو دیدار مهم داشتند: یکی با مهندس بازرگان از نهضت آزادی و دیگری با دکتر کریم سنجابی از جبهه ملی. امام در دیدار با مهندس بازرگان از او می‌خواهند فهرستی از فعالان سیاسی مورد اعتماد را برای عضویت در شـــورای انقلاب و دولت موقت تهیه کند و توصیه می‌کنند از همه گروه‌ها در این فهرست حضور داشته باشند. از طرفی بازتاب دیدار با دکتر کریم سنجابی در مطبوعات و رسانه‌ها که منجر به صدور اعلامیه سه‌ماده‌ای شد نشانه‌ای از همراهی امام و جبهه ملی را به ذهن‌ها متبادر کرد.

در زمان حضور در فرانسه، امام‌خمینی در بیان دیدگاه‌های خویش نسبت به روابط با قدرت‌های شرق و غرب همواره بر این نکته تأکید می‌کردند که مادامی که این کشورها از شاه حمایت کنند امکان همکاری وجود ندارد؛ اما اگر این کشورها ملت ایران را در این انقلاب همراهی کنند روابطی با رعایت استقلال دو طرف ایجاد خواهد شد؛ به‌طور مشـــخص وقتی پنج دیـــدار و تماس بین نماینده آمریـــکا و ابراهیم یزدی، به‌عنوان نماینده ایران و منتقل کننده پیام به امام، صورت می‌گیرد دولت آمریکا نگرانی‌ها و پرسش‌های خود را با امام مطرح می‌کند و امام نیز با ترسیم چارچوب مبارزه علیه شـــاه، به آنان اطمینـــان می‌دهند که اگر حقوق و استقلال ملت ایران را به رسمیت بشناسند روابط تجاری و اقتصادی برقرار خواهد بود؛ همچنین نگرانی آمریکا درباره گرایش ایران به شوروی را برطرف و روابط با شوروی را بر مبنای همان چارچوب روابط با آمریکا اعلام می‌کنند.

در همان زمـــان که امام‌خمینـــی(ره) در پاریس مقدمـــات تغییر نظـــام را فراهم می‌کردند و از پیروزی مردم در این انقلاب مطمئن بودند محمدرضا شـــاه در تهران در پانزدهم آبان ۵۷، در نطقی تاریخی به مردم ایران اعلام کرد که پیام انقلاب آن‌ها را شنیده و اشتباه‌های گذشـــته را تکرار نخواهد کرد و درصدد جبران برخواهد آمد؛ اما این فقط شاه ایران نبود که پیام انقلاب ملت ایران را شنیده بود، بلکه حالا تمام دنیا آوازه انقلابی قریب‌الوقـــوع به رهبری امام خمینی را شـــنیده بودند. محمدرضا شاه هم که بسیار دیر پیام انقلاب را شنیده بود تنها می‌توانســـت به‌ثمرنشستن انقلاب را به‌نظاره بنشیند.

با گـــذری بر ســـیر حـــوادث در ۱۱۸ روز حضور امام در فرانسه، اهمیت این سفر در مخابره‌کردن پیام انقلاب، مشخص و علت پافشاری ابراهیم یزدی بر روایت پیشنهاد سفر به پاریس از این منظر به‌خوبی نمایان می‌شـــود. ناگفته نماند که نقش ابراهیم یزدی در پاریس پررنگ و غیرقابل کتمان اســـت؛ به‌گونه‌ای که امـــام در آخرین روز حضور در پاریس در نامه‌ای با دســـت‌خط خود از زحمات ارزنـــده ابراهیم یزدی در دوران اقامت در فرانســـه تشکر می‌کنند. امام در یازدهم بهمن ۵۷، بـــا قدردانی از دولت و ملت فرانسه این سفر تاریخی را به پایان می‌برند.